

بدایع وقایع

نخستین مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا

مظفرالدین شاه دومین پادشاه از سلسله قاجار است که به اروپا سفر نموده و از چند کشور اروپائی دیدن کرده است .

وی طی قریب یازده سال سلطنت خود سه بار به اروپا رفته و هر بار چند ماه در دیار فرنگ گذرانده است .

سفر اول او در این نوشته مورد بررسی است و بعد از این مقدمه کوتاه به نشر کتاب جالبی خواهیم پرداخت که مجموعه‌ای است از نوشته‌های جراید اروپا دربارهٔ مسافرت او و همراهانش - این سفر روز پنجشنبه دوازدهم ذیحجهٔ سال ۱۳۱۷ هجری قمری اتفاق افتاده و مظفرالدین شاه خود روزنامه این سفر را روز بروز تقریر کرده و توسط دو تن از همراهانش یعنی وزیر همایون و وکیل الدوله به رشتهٔ تحریر درآمده است . وی گزارش اولین روز مسافرت خود را چنین داده است :

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدائی که هستی از اوست جهان را بلندی و پستی از اوست

روز پنجشنبه دوازدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه هزار و سیصد

و هفده هجری بعزم مسافرت فرنگستان که از مدتی بود تصمیم عزیمت

این سفر را نموده بودیم از مقر سلطنت و دارالخلافه تهران بصوب قریه کن که اول منزل است حرکت نمودیم .

اول صبح از خواب برخاسته لباس پوشیدیم بعد حضرت علیا بحضور آمد با او قدری صحبت کردیم پس از آن سایر خدام حرم و بنات سلطنت همگی شرفیاب شدند. چون روز پیش به جناب اشرف صدراعظم فرموده و قرار داده بودیم که چهار ساعت از دسته گذشته سوار شویم، لهذا تا سه چهار ساعت تأمل کردیم معلوم شد جناب اشرف صدراعظم به زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام رفته بودند، بیرون آمدیم در منزل معتمدالحرم جناب اشرف صدراعظم مراجعت کرده با جمعی از رجال دولت حاضر بودند جناب آقای بحرینی سلمه الله تعالی و جناب میرزا کاظم آقا دعای سفر بگوشمان خواندند . از آنجا با عون الهی سوار کالسکه شده حرکت نمودیم به خیابان امیریه که داخل شدیم از دو طرف خیابان جمعیت زیادی از اناث و ذکور جمع بودند و اغلب از مسافرت ما محزون و مشغول دعا بودند آنها بما هم خیلی اثر کرد و در قلب خودمان همه آنها را بخدا سپرده سلامت و حفظ همگی را از بد روزگار مسئلت نمودیم»

ملترمین رکاب همایونی در این سفر عبارت بوده اند از :

میرزا علی اصغر خان اتابک (صدراعظم) .

میرزا محمود خان حکیم الملك وزیر دربار .

موثق الدوله (ناظر خرج) .

سردار کل .

امیر بهادر جنگ (علی پاشا خان قوللر آقاسی کشیکچی باشی) .

وزیر همایون (وزیر پست و نویسنده روزنامه سفر مظفرالدین شاه) .
 وکیل الدوله (قسمتی از روزنامه سفر مظفرالدین شاه را نوشته
 است) .

ندیم السلطان .

موثق الملك (صندوقدار) .

امین حضرت .

صنیع السلطنه .

ناصر خاقان .

آقاسید حسین پسر شیخ بحرینی .

مصدق الملك .

ظهير الدوله .

سردار مکرم (رئیس ملتزمین نظامی) .

مؤید السلطنه (میرزا رضاخان وزیر مختار ایران در برلن) .

ناصر الملك .

ناصر همایون (ارسلان خان) .

یمین السلطنه (نظر آقایمین السلطنه وزیر مختار ایران در پاریس) .

میرزا ملکم خان ناظم الدوله (وزیر مختار ایران در ایتالیا) .

میرزا محمودخان علاء الملك (سفیر کبیر ایران در ترکیه) .

نریمان خان قوام السلطنه (وزیر مختار ایران در وین) .

ناصر السلطنه .

مهندس الملك (وزیر معادن) .

سعد الدوله (وزیر مختار ایران در بلژیک) .

عکاس باشی و دکتر ادکاک .

جمعی از این افراد از تهران شاه را همراهی کرده‌اند و چندتن نیز که بیشتر سفرا و وزرای مختار دولت ایران در کشورهای خارج بوده‌اند در اروپا به جمع ملتزمین پیوسته‌اند .

همچنین از تهران تا سرحد (جلفا) نیز کسانی از جمله شیخ بحرینی ، حاجب الدوله ، آصف السلطنه صاحبجمع ، سیف‌الملک تفنگدار باشی ، شمس‌الملک امیر آخور ، عین‌السلطان خوانسالار ، سالار اکرم ، سیف‌السلطان ، مستعان السلطنه ، ناظم خلوت ، بصیر السلطنه دبیر السلطان عمید حضور ، محمدقلیخان شاطر باشی ، اسلحه‌دار باشی ، احمدخان میرشکار ، اجلال السلطنه معتمدخاقان ، ناصرالدین میرزا ، اعتضاد السلطنه و خواه‌سرایان از جمله آغایان امین‌الحرم ، صدیق‌الحرم ، معین‌الحرم ، عیسی‌خان و محمودخان ، تا سرحد شاه را همراهی کرده‌اند و محمد علی میرزا ولیعهد نیز از تبریز تا جلفا در التزام رکاب بوده است .

سفر مظفرالدین شاه تا روز یکشنبه دوم شعبان ۱۳۱۸ هجری قمری طول کشیده و در این روز به تهران در آمده است و یک ساعت بظهر مانده به باغشاه رسیده و « تمام وزرا و طبقات نوکران نظامی و قلمی و غیره در آنجا بر تیب مخصوص بسیار منظم و بقاعده بحضور آمده‌اند » و « به هریک از وزرا اظهار التفات کرده ، سفرا را بحضور خواسته و مراتب خشنودی و رضایت خود را ابراز داشته است » .

مظفرالدین شاه در این سفر از چند کشور اروپائی و ترکیه گذشته

و قریب یکماه نیز در شهر Contrexeville در ایالت وژ Vosge به معالجه و استراحت پرداخته و از آب‌های معدنی منطقه مزبور استفاده

کرده است .

در روسیه و آلمان و فرانسه پذیرائی رسمی از شاه بعمل آورده‌اند و در سایر کشورها نیز تشریفات خاصی معمول داشته‌اند .

در روسیه : روزیکشنبه بیستم محرم ۱۳۱۸ از مرز ایران گذشته و بخاک روسیه پای نهاده است . در جلفای روسیه امیرال آرسینف ژنرال آجودان امپراطور روس و چندتن دیگر از مأموران دولت تزاری روسیه باستقبال آمده و مقدم شاه و همراهان را گرامی داشته‌اند و از طرف امپراطور خوشامد گفته‌اند .

شاه یکنفر از مستقبلین را می‌شناخته و از او چنین نشانی می‌دهد :
 « ... از این اشخاص کسی را که سابقاً دیده و می‌شناسم مسیو کاخانفسکی است . آدم بسیار خوبی است تقریباً بیست و پنجسال قبل نایب جنرال قنسولگری تبریز بود و آنوقت سیل‌های زرد نازک بلندی داشت بعضی از اوقات که بشکار میرفتیم همراه ما می‌آمد و توله‌ای داشت موسوم سلمن و خوب توله‌ای بود بما پیشکش کرد خیلی جوان محبوب و مطلوبی بود حالا که او را دیدیم پیرمرد شده است و این اوقات در تفلیس از طرف دولت روسیه به منصب کارگزاری خارجه برقرار است باری با مهماندارها تفقد نموده و قدری صحبت داشتیم بعد مرخص شده رفتند و چون خدام حرم میخواستند وقت رفتن و عبور ما از رودخانه تماشا کنند و عمارت پستخانه خوب مشرف به رودخانه نبود دوباره اینجا را که منزل ما مشرف به ارس است قرق فرمودیم و حرم باینجا آمدند تا دو ساعت بغروب مانده که وقت حرکت ما بود جناب اشرف صدراعظم فرستادند که موقع حرکت

است از اندرون بیرون آمدیم»

در موقع ورود بخاک روسیه تلگراف زیر را بامپراطور مخابره

می کند و پاسخی نیز دریافت میدارد :

صورت تلگراف مظفرالدین شاه

با يك مسرت تازه ای وارد مملکت اعلیحضرت امپراطوری شدم و در آنجا امیرال آرسینف جنرال آجودان آن اعلیحضرت و کلنل ژپوکیوچ دیبکا را با صاحب منصبان بزرگ قفقاز بطریق الیق از من پذیرائی کردند. با شعف تمام بر خود فرض می شمارم که تشکرات قلبی خودم را در مقابل این قسم تشریفات شایان به اعلیحضرت امپراطوری اظهار نموده و ادعیه خالصانه خودم را برای بقای سلامت و دوام خوشبختی آن اعلیحضرت بیان نمایم. از اعلیحضرت امپراطوری خیلی متمنی هستم که تحسینات و سلام محترمانه مرا با اعلیحضرتین امپراتورها ابلاغ فرمایند.

پاسخ امپراطور روسیه

«از خبر بهجت اثر تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی به مملکت من بلانهایت مسرور شدم، امیدوارم که اعلیحضرت همایونی در این سفر طولانی که در پیش دارند خسته نشده و از مزاج مبارک بکلی رفع کسالت بشود.

اعلیحضرتین امپراتریسهامرا رسالت داده اند که تشکرات ایشان را در مقابل بیانات محبوب آن اعلیحضرت اظهار نمایم. «نیکلا» مظفرالدین شاه و همراهان بدون توقف خاک روسیه را ترک می گویند و به کنترکسویل میروند و قریب يك ماه در آنجا توقف

مینمایند. (از روز پنجشنبه ۱۶ صفر الی جمعه ۱۵ ربیع‌الاول) بعداز کتتر کسویل (فرانسه) به روسیه باز میگردند و روز دوشنبه هیجدهم ربیع‌الاول به سرحد روسیه (ورژبولوو) میرسند و ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه ۱۹ ربیع‌الاول به گار راه آهن سن پترزبورغ وارد می‌شوند. در ایستگاه راه آهن مراسم استقبال رسمی از شاه و همراهان بعمل می‌آید و نیکلا امپراطور روسیه و ولیعهد دگراندوک میشل الکساندروویچ و اعضای خانواده سلطنتی روسیه و وزیر امور خارجه و رجال قوم از شاه استقبال می‌کنند و آنان را به عمارت ارمیتاژ که برای توفشان در نظر گرفته شده بود راهنمایی می‌نمایند.

مظفرالدین شاه در یادداشت‌های روزانه خود مینویسد: «... با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه روبازی نشسته تا عمارت ارمیتاژ که منزل ما است صحبت کنان آمدیم. طرفین راه و خیابان سرباز ایستاده در عبور ما هورا می‌کشیدند. اهالی شهر پترزبورغ هم که بی‌اختیار متصل هورا کشیده اظهار خوشوقتی مینمودند و من و اعلیحضرت امپراطور جواب میدادیم در ورود به عمارت با اعلیحضرت امپراطور از پله‌های ارمیتاژ بالا رفتیم در سرسرای عمارت يك دسته سرباز گارد مخصوص امپراطوری با ریشهای بلند و قبا‌های ماهوت آبی که لباس عجیبی بود و نمونه‌ای از قدیم است سلام احترام دادند. داخل اطاقهای عمارت شدیم بسیار عمارت عالی ممتازی است اعلیحضرت امپراتریس در اطاق مخصوصی که بجهت ما معین کرده بودند بادم دزرها و مادمواز لها بودند. با ایشان دست داده وارد اطاق شدیم گراندوشس‌ها که در اطاق بودند اعلیحضرت امپراطریس بما معرفی نمودند

ودر نهایت مهربانی تا اطاق خواب را با اعلیحضرت امپراطور آمده
 بما نشان دادند . . . بعد از نیمساعت ما سوار کالسکه شده رفتیم به
 بازدید اعلیحضرت امپراطریس . . . درب عمارت پیاده شدیم رفتیم
 توی دالان به آسانسور سوار شده بالا رفتیم . تا امروز به آسانسور
 سوار نشده بودیم بیالا رسیدیم در را باز کردند از آسانسور بیرون
 آمدیم اعلیحضرت دم آسانسور ایستاده بودند دست دادیم و باتفاق
 رفتیم به اطاق اعلیحضرت امپراطریس ملترمین ما هم در اطاق جلو
 صف کشیده بودند ما و اعلیحضرت امپراطور داخل اطاق امپراطریس
 شده با ایشان دست داده باطاق مخصوص رفته نشستیم در آنجا
 صحبتهای شکار و متفرقه بمیان آمد . از فحوای حال و طرز صحبت
 و مذاکرات معلوم میشود که اعلیحضرت امپراطریس بسیار با هوش
 و بافر است و عاقله و کامله هستند . . . » .

روز دوشنبه ۲۵ ربیع الاول سن پترزبورغ را ترك گفته و بسوی
 فرانسه رهسپار شده اند و آخر ربیع الاول به خاک فرانسه در آمده اند .
 در فرانسه : مظفرالدین شاه در سفرنامه خود مینویسد : « . . .
 در سر سه ساعت و ربع بعد از ظهر (سلخ ربیع الاول) رسیدیم به گار شهر
 پاریس که خیلی گار بزرگ طولانی است . در وسط گار جناب میلوبه
 رئیس جمهوری دولت فرانسه با سایر وزراء و رؤسای ادارات دولتی
 ایستاده ورود ما را منتظر بودند . ترن که به محاذی ایشان رسید
 ایستاد و ما از واگون پیاده شده جلو پله ترن که پا بزمین گذاردیم
 جناب رئیس جمهوری جلو آمده دست دادند و از ورود ما اظهار
 بشاشت نمودند . . . و جناب رئیس وزراء و رجال دولت فرانسه را

بما معرفی کردند بعد از معرفی ایشان هم جناب اشرف صدراعظم و بعد وزیر دربار و سایرین را معرفی کردیم... بعد از آن باتفاق رئیس جمهوری به سالن مخصوص گارآمده قدری نشستیم هوا خیلی گرم بود برخاسته بیرون آمدیم. کالسکه های دولتی حاضر بود. ما و رئیس جمهور در يك کالسکه روبازی سوار شدیم يك دسته سواره نظامی زره پوش خیلی مجلل اطراف کالسکه ما را احاطه کرده و براه نهادیم سایر همراهان و ملتزمین هم در کالسکه های دیگر از عقب سر ما آمدند. در فضای معبر بقدری جمعیت بود که حساب نداشت و متصل صدای ویولوشاه. ویولو پرس (یعنی زنده باد شاه و زنده باد ایران) از زن و مرد بگوش ما میرسید... باتفاق جناب رئیس جمهوری وارد باغچه عمارت منزلگاه گردیده از آنجا داخل اطاقها شدیم. جناب رئیس جمهوری تابالای پله آمده اطاق و منزل مخصوص ما را معرفی کرده و با ما وداع نموده بمنزل خودشان مراجعت کردند... بعد از نیمساعت ببازدید رئیس جمهوری رفتیم...»

در نمایشگاه پاریس: روز (دوشنبه دویم ربیع الثانی) برای بازدید از نمایشگاه جهانی پاریس میروود و در گزارش روزانه خود مینویسد:

«بعد از ناهار کالسکه حاضر نمودند سوار شده به اکسپوزیسیون رفتیم. دم در بزرگ اکسپوزیسیون که رسیدیم وزیر تجارت و وزیر مالیه فرانسه و رئیس اکسپوزیسیون حاضر بودند کالسکه ما از آنها رد شد بعد جنرال پاران رئیس مهماندارها به کالسکه چي گفت برگشت به طرف آنها. رئیس اکسپوزیسیون نطق مفصلی در تهنیت ورود ما به

اکسپوزیسیون نمود و ترجمه کردند ما هم جوابی که لازم بود دادیم و اظهار خوشوقتی از دیدن اکسپوزیسیون نمودیم آنوقت به راه افتاده وارد گنبدی شدیم که گفتند جای کورس است که اسب دوانی میشود. ارتفاع گنبد پنجاه ذرع تمام است که از بلور سقف زده اند و از قراریکه عرض کردند در زیر گنبد جای چهارصد اسب است و انواع و اقسام مجسمه ها در آنجا دیدیم بعد رفتیم به گالری که اسباب عتیقه و اشیاء قدیم در آنجاست... از آنجا به سکسیون ایران رفتیم. مسیو کتابچی خان مباشر آنجاست و امتعه ایران را خوب ترتیب داده است. نطق مفصلی عرض کرد که مهندس الممالک ترجمه نمود در مرتبه اول و دویم آنجا گردش کردیم. فیروزه و قالیچه زیادی از امتعه ایران در آنجاست بعد از آنجا رفتیم بکنار رودخانه سن که از میان اکسپوزیسیون میگذرد و از آنجا رفتیم بزیر برج ایفل. این اولین دفعه ایست که از نزدیک این برج معروف را دیده و از زیر آن میگذریم حقیقه بنای غریبی است تماماً از آهن ساخته شده است... از آنجا رفتیم بطرف کوچه متحرك که در اکسپوزیسیون ساخته اند. باید دانست که در اطراف و محوطه اکسپوزیسیون همه جا راه آهن کوچکی است که مردم سوار شده حرکت مینمایند و گردش می کنند. در بالای خط راه آهن هم يك کوچه متحرکی تعبیه کرده اند که زمین آن از تخته است و شخص که روی آن تخته رفت خود تخته متصل میرود و انسان بی زحمت قدم طی راه می کند تا بهر نقطه که رسید و خواست از کوچه خارج شود میله های چوبی است که دست خود را به آن محکم گرفته از کوچه متحرك پای خود را بیرون میگذارد و میرود. کوچه متحرك

هم دوتا پهلوی یکدیگر است که یکی حرکتش سریعتر و یکی بطئی تر و آرام تر است که شخص بهر کدام بخواد داخل میشود يك دوره اکسپوزیسیون را به كوچه متحرك گشتیم فرمودیم عكس در آنجا عكاسباشی از ما برداشت بعد از آن بمنزل مراجعت نمودیم ...»

تیر اندازی به شاه: روز پنجشنبه پنج ربیع الثانی و روز ششم توقف شاه در پاریس، مردی فرانسوی به قصد ترور شاه طپانچه بر روی او میکشید ولی میرزا محمود خان حکیم‌الملک (وزیر دربار) دست وی را میگیرد و مانع انجام نیت سوء او میشود.

مظفرالدین شاه خود مینویسد که مسیو دلکاسه وزیر خارجه فرانسه

ما را به ورسای دعوت کرده است و باید با آنجا برویم ...

سوار کالسکه شدیم در کالسکه جناب اشرف صدر اعظم پهلوی ما نشسته و وزیر دربار و بروی ما و جنرال مهماندار و بروی صدر اعظم پهلوی وزیر دربار بود. سایر نوکرها هم در کالسکه‌های دیگر عقب سر ما سوار شده آمدند ... هنوز صد قدم از عمارتی که منزل ما در آنجاست دور نشده بودیم. یکدفعه دیدیم صدای وزیر دربار بلند شد با شخصی گلو آویز گردیده است نگاه باینطرف نموده دیدیم شخص شقی خبیثی پهلوی کالسکه ما ایستاده یکدستش را به دم کالسکه ما که سرش باز بود گرفته و دردست دیگر طپانچه دارد و سر طپانچه را روی سینه ما گذارده میخواد آتش بزند. وزیر دربار در کمال جلادت و قوت بند دست او را گرفته فشار سخت داده دست این خبیث را از روی سینه ما رد کرده سر طپانچه را بهوا نگاه داشت و خودش هم برخاسته میان ما و او حایل شد که اگر خدای نخواست تیرها

شود بما آسیبی نرسیده خودش هدف تیر شود و آن خبیث بدذات هرچه زور آورده و با دست دیگرش دست وزیر دربار را به سختی می فشرد بلکه دست او را ول کند ... وزیر دربار مانع اقدام او بود ... آخر پس از کشمکش و تقلای زیاد وزیر دربار طوری دست او را به قوت فشار داد که طپانچه را ول کرده بدست وزیر دربار آمد و از عقب پلیس ها خود را رسانیده و او را گرفته و ما با کمال قوت قلب که به فضل خدا داشتیم ابداً بیم و وحشت نکردیم اما جناب اشرف صدراعظم و جنرال مهماندار از بابت حال ما خیلی مضطرب و متوحش شده بودند ... مردم هم هجوم آوردند که او را از دست پلیس گرفته بکشند و همان جا قطعه قطعه کنند اما چون در اینگونه موارد باید بدقت تحقیقات و تفتیشات نمایند ... او را از چشم مردم غایب کرده بردند در عمارت ما حبس کنند ... تحقیقات پلیس در باره سوء قصد کننده چنین بوده است که وی (فرانسولاسان) از اهالی فرانسه و ۲۴ سال داشته و بعلت جرائم دیگر دو بار به زندان رفته بوده است و در روز سوء قصد علاوه بر اسلحه گرم ، یکعدد خنجر نیز با خود داشته و وقتی وزیر دربار دست او را محکم گرفته است دست دیگرش را در جیب برده تا با خنجر حمله کند ولی پلیس باو مجال نداده است .

* * *

مظفرالدین شاه روز چهاردهم ربیع الثانی خاك فرانسه را ترك می گوید و به بلژیک میرود و چند روز نیز در این کشور اقامت میکند و سپس از هلند ، آلمان ، اتریش ، سربستان ، بلغارستان ، ترکیه

گذشته و در هر کشور نیز چند روزی توقف کرده است و روز دوشنبه دوم رجب سال ۱۳۱۸ هجری به ایران بازگشته و بمرز وارد شده است و روز یکشنبه دوم شعبان به تهران رسیده است .
یک ساعت بظهر مانده روز یکشنبه به باغ شاه در آمده و بعد از ظهر به عمارت باب همایون نزول اجلال نموده است .

* * *

و اما کتاب « بدایع وقایع نخستین مسافرت مظفرالدین شاه ، به اروپا » عبارت از مجموعه‌ای است که به خط نستعلیق خوش نوشته شده است .

گردآورنده و مؤلف کتاب شخصی بوده است بنام « کوریلن » که مطالب مربوط به مسافرت مظفرالدین شاه را که در جراید اروپا نوشته شده جمع آوری کرده و بعدها توسط رغباقلی بن جعفر قلیخان نیرالملک وزیر علوم بفارسی ترجمه شده است . کاتب کتاب نیز داود گلپایگانی بوده است .

نسخه مورد استناد و استفاده ما در مجموعه کتب خطی کتابخانه ملی مضبوط است .

این کتاب متمم و مکمل سفرنامه مظفرالدین شاه است و بعضی وقایع و حوادث این سفر را خیلی دقیق تر و گویا تر نوشته است و چاپ و نشر آن کمک فراوانی به روشن شدن رویدادهای اولین سفر مظفرالدین شاه و روحیه و عملیات او و اطرافیانش میکند و امید است مورد استفاده ارباب تحقیق قرار گیرد . ان شاء الله

(بسم الله الرحمن الرحيم)

از آنجا که سیاحت اروپ و گشت و گذار ممالک فرنگ
همواره منظور نظر کیمیا اثر اعلیحضرت مظفرالدین شاه شاهنشاه
ممالک ایران بود لهذا در او ان سال یک هزار و نهصد میلادی در موقع
اکسپوزیسیون پاریس همت ملوکانه باجرای این نیت قرار گرفته از
پای تخت ایران بصوب دیار فرنگستان حرکت فرمودند من بنده نگارنده
اینموقع را غنیمت دانسته بدان صرافت افتاد که وقایع مسافرت ملوکانه
را از روی روزنامجات که در ضمن حرکت و اقامت موبک همایون
در شهرهای معظمه و پای تختهای ممالک اروپ منتشر و بحلیه طبع
رسیده بودند تألیف نموده رساله مختصری بیاد گار گذارم و نه آن
است که مقصود من از تألیف این اوراق دعوی مورخی و اظهارسخن
سنجی باشد بلکه غرض اصلی آن بود تا بشیوه وقایع نگاری که بیشتر
مخصوص این بنده است از دست نداده وقایع و اخبار متعلق باین
مسافرت را از روی اسناد صحیحه یعنی از روی روزنامجات و مطبوعات
که در این عصر وقایع مطالب مهمه یومیه را با کمال دقت و صحت
برای افاده مطالعه کنندگان در اطراف عالم منتشر و پراکنده مینمایند
بدست آورده دوبر دیده بینندگان عرضه نمایم .

کنتر کسویل

اعلیحضرت مظفرالدین شاه قبل از آنکه بملاقات سلاطین با
تمکین فرنگستان پردازند میل فرمودند چند هفته در کنتر کسویل که

از شهرهای فرانسه است و دارای آب طبیعی مخصوص است راحت نمایند و قهرمانخان سرهنگک پسر نظر آقا وزیر مختار مقیم پاریس آکه به سمت آجودانی حضور همایونی مفتخر است برای ترتیب منزل و غیره نامزد فرمود از پیش بآن شهر فرستادند قهرمانخان در هتل معروف به (هوتل دولاسوورن) در ضلع راست و مرتبه اول یکدستگاه عمارت بسیار عالی که مشتمل بر دو سالون متوسط که دیوارهای آن به مخمل سرخ آراسته بود و یک اطاق خواب که اساس آن از چوبهای گرانبها ساخته شده و بستر بسیار مزین بطرز انگلیس با گوههای مطلا برای استراحت وجود مسعود همایونی در آنجا آماده شده بود و یک اطاق غذاخوری و یک اطاق مخصوص دست و روشویی که تمام نهایت امتیاز و زینت را داشتند برای نزول موکب همایون معین کرد و چون رای مبارک اعلیحضرت شاهنشاه بر این قرار گرفته بود که اقامت ایشان در آن شهر بکلی بی تکلف و از قید هرگونه رسمیت آزاد باشد معینا از طرف حکومت شهر اقدامات لازم برای جلوگیری مردم و منع آنها از ازدحام در معبر و شوارع بعمل آمد و در تمام مدت اقامت شاهنشاه ایران این نظم و ترتیب برقرار بود.

چند روز قبل از ورود موکب اعلیحضرت مظفرالدین شاه شهر و تمام اهالی آنرا وجد و سرور فوق العاده دست داد و در کمال بی اختیاری انتظار ورود مهمان عظیم الشان خود را داشتند همه جا در بام و برزن بیرقهای ایران و فرانسه به درو دیوارخانهها نصب کرده بودند و مسیو تالون حاکم ایالت وژ بمعیت مسیو باره رئیس دفتر

خود و مسیو بو اون نایب الحکومه (میر کور) همواره مترصد نزول موبک
اعلی بودند تا آنکه در روز ۱۴ ماه ژوئن یک هزار و نهصد در ساعت
(۹) قطار راه آهن مخصوص شاهنشاه که از شهر بال می آمد در ایستگاه
کنتر کسویل وارد گردید این قطار مرکب از ده دستگاه کالسکه های
آلمانی بودند و خدمه آنها نیز تمام آلمانی بودند. در سرحد فرانسه چند
نفر پلیس و مستحفظ فرانسوی بآنها ملحق شده بودند مسیو تالون و
همراهان با مسیو مورل کدخدای کنتر کسویل و پرنس ملکم خان وزیر
مختار ایران در دربار ایتالیا و قهرمانخان و شنیدر دکتر مخصوص
شهریاری و مسیو مونتر و رئیس اداره آبهای معدنی باستقبال موبک
همایونی در گار حاضر شده مراسم تعظیم و احترامات شاهانه را بعمل
آوردند پس از ایستادن قطار مخصوص نظر آقا وزیر مختار ایران در
پاریس حاکم شهر را بحضور مبارک معرفی نمود و در این موقع
یکدسته سواره ژاندارم بفرماندهی یک نایب برای اجرای احترامات
نظامی در مدخل ایستگاه حاضر بودند معرفیهای لازمه در داخل گار
که برای این موقع آیین و چراغان شده بود بعمل آمدن نخست حاکم از طرف
دولت فرانسه و در ثانی کدخدای کنتر کسویل از جانب شهر مقدم
اعلی حضرت شاهنشاه را خوشباش گفتند در حالتیکه دسته ارکستر با هنگ
ایرانی و فرانسه مترنم بودند اعلی حضرت شاهنشاه هم در جواب چند
کلمه اظهار تلاف و مهربانی بآنها کرده بعد با ملتزمین رکاب که
تمام سردارهای مشکی در بر داشتند در کالسکه ها قرار گرفته بطرف

هوتل سوورن حرکت فرمودند .

همه جادرمعبر اعلیحضرت چراغان و تزئینات باشکوه و جشنگ تهیه شده بود و مردم از روی شغف و شوق فریاد زنده باد شاه و پاینده باد مملکت ایران می کشیدند بزرگانی که در این سفر شرف التزام رکاب همایونی را دارند از این قرارند :

جناب اشرف امین السلطان اتابک اعظم ، جناب حکیم الملك وزیر دربار ، جناب ناصر الملك سفیر کبیر ، جناب ظهیر الدوله وزیر تشریفات ، جناب سردار کل سردار قشون ایران ، جناب امیر بهادر جنگ رئیس ملتزمین ، جناب مهندس الملك وزیر معاون و فواید عامه ، جناب سردار مکرم رئیس ملتزمین نظامی ، جناب مشیر الملك رئیس وزارت خارجه ، جناب مفخم الدوله رئیس مخصوص اتابک اعظم ، دکتر خلیل خان طبیب مخصوص .

چند روز پس از ورود اعلیحضرت شاهنشاهی مجمعی از اطبا برای مشاوره و تشخیص کسالت مزاج مبارک در کتر کسویل فراهم و در این خصوص شرح ذیل را از روی روزنامه فیگارو عیناً نقل میشود (مشورتی که بر حسب اراده ملوکانه میبایست صورت پذیرد و در نهایت دقت بعمل آمدهشت نفر از اطباء بزرگ بریاست حکیم الملك وزیر دربار و دکتر آدکوک که دوازده سال است بسمت دکتری مخصوص اعلیحضرت همایون مفتخر است در این مجلس حضور بهم رسانیدند از اطباء فرانسه چهار نفر دکتر دیولافوآ دکتر ژاکود معلم طب مدرسه پاریس دکتر شنیدر طبیب نظامی فرانسوی که از ملتزمین رکاب مبارک است

دکتر دو بودستره که از سی سال باینطرف در شهر کنتز کسویل مشغول طبابت و کمال شهرت را دارد. از اطباء آلمانی دو نفر یکی دکتر فیفر که اصلاً از ویزباد است و دیگری دکتر هولاندر از اطباء شهر برلن و بالاخره دو نفر هم از اطباء ایرانی در این مجلس حضور داشتند یکی دکتر خلیل خان طبیب دربار و دیگری دکتر ابراهیم خان برادرزاده جناب حکیم الملک هر دو اینها در مدارس طبی پاریس تحصیلات نمایان نموده اند و بواسطه مأموریتهایی که در مجلس کنفرانس حافظه الصحه پاریس وانجمن طبی بروکسل انجام داده اند در اروپ معروفیت تمام حاصل نموده اند جناب نظر آقا وزیر مختار ایران نیز در تمام مدت انعقاد مجلس مشورت حضور داشتند پس از امتحانات دقیقه و مفصله تمام اطباء در محضری مجتمع شده نتیجه تشخیصات خود را به رشته تحریر در آوردند و پس از آنکه از معالجات سابقه کاملاً آگاهی حاصل کرده و تمام را متفقاً صحه گذارده رأی آخر همه بر آن شد که آبهای معدنی کنتز کسویل از برای وجود مبارک شاهنشاه نهایت مناسبت و فایده را خواهد داشت و دکتر دو بودستره و اطباء مخصوص شاهنشاهی برای مواظبت و ترتیب دستور العمل مدت معالجه نامزد گردیدند

در مدت قلیل اقامت کنتز کسویل اعلیحضرت همایونی بواسطه ملاطفت و مهربانی ذاتی دل تمام اهالی شهر را ربوده و تمام را فریفته خود کرده بودند روزها مستمراً در پارک بدون کلفت و رسمیت گردش میفرمودند و بفرخور حال با هر کس صحبت و اظهار محبت میفرمودند

و با ملترزمین رکاب و وزراء دربار در ایوانها و دالانهای عمارت حرکت و تفرج کرده و غالباً اشخاصیکه میخواستند تمثال مبارک را در دوربین های عکاسی خود ضبط نمایند بدون مضایقه آنها را ممنون میساختند مخصوصاً با اطفال نوازش و تفقذات شاهانه داشتند و بآنها انواع مهربانیها میفرمودند و چون از حرکت و گردش خسته میشدند تفنناً میل به تیراندازی میفرمودند و بهارت و قوت کامل اعلیحضرت در این فن اسباب تعجب و تحیر نظاره کنندگان میشد.

یکی از روزها خاطر مبارک متوجه آلات تلگرافی شد و بادقت مخصوص که از صفات مستحسنه اعلیحضرت است یکی از دستگاههای تلگرافی هوک را امتحان فرمودند و تحقیقات یکی از تلگرافچیان را با کمال توجه التفات فرمودند یکی از اجزای تلگراف در محضر همایون بتوسط آلت مزبور این عبارت تشکر آمیز را در روی نوار کاغذی چاپ کرد و بحضور اعلی تقدیم نمود و مورد تمجید و الطاف همایونی گردید و آن عبارت این است:

عموم تلگرافچیان و اجزاء تلگراف کنتر کسویل از مراحم شاهانه متشکرند و نیات خیریه قلبی خود را بحضور مبارک تقدیم مینمایند.

تلفن خانه شهر کنتر کسویل نیز از نزول مقدم مبارک شهریار ایران قرین افتخار گردید اعلیحضرت مظفرالدین شاه میل فرمودند که بنفس نفیس با یکی از ادارات نزدیک تکلم فرمایند فوراً اجزاء اداره رشته مخابره را با اداره مذکور متصل نمودند و اعلیحضرت از تلفن چی آنجا از وقت روز و چگونگی هوا بعضی سؤالات مختلفه

فرمودند .

بعضی از روزها که خاطر مبارك ميل تفرج پياده نميکرد با کالسکه بتفريح و گردش اطراف تشریف ميبردند از جمله روزی بشهر ونيل تشریف برده در آنجا مختصر اقامتی فرمودند دکتر بويوميد کدخدای آن محل بيادگار اين موقع مجسمه کوچک ژاندارك را که نمونه از مجسمه بزرگ فرميه حجار معروف است تقديم حضور مبارك نمود و اعليحضرت از ايشان امتنان کرده فرمودند که در مراجعت به پای تخت خود آن مجسمه را در عمارت سلطنتی در محل مناسبی بيادگار نصب خواهند فرمود .

در موقع عزيمت موکب همایونی از کنترکسويل شب پنجشنبه ۱۲ در پارك آب معدنی جشن بسيار باشکوهی ترتيب داده و چراغان و آتش بازی خیلی مفصل بعمل آمد زياده از سه هزار نفر در اين جشن حضور داشتند و بسلامتی پادشاه ايران رطب اللسان بودند صبح جمعه در ساعت ده اعليحضرت مظفر الدين شاه با قطار مخصوص از کنترکسويل حرکت فرمودند شش دسته ژاندارم با لباس تمام رسمی اعليحضرت را تا گار مشايعت کرده احترامات سلطنتی را بجا آوردند در ايستگاه راه آهن مسيونائون حاکم و ژبهماهی رئيس دفتر خود و نایب الحکومه ميرکور و کدخدای کنترکسويل با رئيس اداره آب و وزراء ایرانی و بعضی از اعيان ديگر برای پذيرائی مقدم مبارك حاضر شده بودند مسيو مورل کدخدای کنترکسويل بعبارت مختصر بسيار خوبی اعليحضرت شاهنشاه را وداع و خدا حافظی گفت و از زمان ورود موکب همایونی

بگزار ما وقت حرکت قطار همواره دسته ارکستر کازینو بناوهای ایران و فرانسه مترنم بود اعلیحضرت مظفرالدین شاه چندین بار بادست و سر مبارک از حضار امتنان و خدا حافظی فرمودند و در این وقت جمعیت کثیری در اطراف گار مجتمع شده بودند یکمرتبه با صدای بلند نعره زنده باد پادشاه ایران از جگر بر کشیدند اعلیحضرت پادشاهی از این اظهار شغف و محبت قلبی نهایت متأثر شده بودند ولی اختیار از روی کمال لطف و مهربانی با هر کس که در معبر موبک همایون بود تعارف و تفقدات خسروانه میفرمودند .

قبل از آنکه از کنتر کسویل تشریف ببرند اعلیحضرت شاهنشاه بعضی از خواتین انگشتریهای الماس بر لیان گرانها و فیروزه های ممتاز خراسان مرحمت فرمودند و بمردم متفرقه که برای سلامت وجود مبارک و راحت مسافرت اعلیحضرت ادعیه خیریه مینمودند اشرفیهای طلا که بتمثال خسروانه مزین بود مرحمت میفرمودند اتابک اعظم و سایر وزراء نیز عده زیادی اشرفی و سایر مسکوکات ایرانی بیادگار بمردم تعارف دادند با الجمله بمأمورین دولتی و بعضی از اعیان شهر علی قدر مراتبهم نشان شیروخورشید اعطاء شد از جمله مسیوتالون حاکم وژ وژنرال مالافرس و دکتربودستره هر یک باعطای نشان شیروخورشید از درجه دوم مفتخر گردیدند و بمسیو بوراون نایب الحکومه و مسیو میشل یاور ژاندارم درجه سوم نشان شیروخورشید مرحمت گردید و بمسیو باره رئیس دفتر دوردن و روزه مستشارهای اداره پلیس و مسیو موزل کدخدای کنتر کسویل و مسیو شیتین کدخدای اپی مال و پیرود بروست رئیس کازینو پلرن نقاش و مارشال نایب مخصوص پلیس بهر کدام نشان

شیر و خورشید از درجه چهارم مرحمت شد بعضی دیگر نیز بتفاوت نشان درجه پنجم مرحمت گردید و چند نفر از صاحب منصبانم که در مشقهای نظامی که در ایام اقامت اعلیحضرت در کنتر کسویل واقع گردید حضور داشتند بتفاوت درجات امتیاز و نشان گرفتند .

اعلیحضرت شهر یاری در حین حرکت از کنتر کسویل تلگرافی مبنی بر تشکر به جناب وزیر جمهوری فرستادند که مضمون آن از این قرار است :
فردا صبح از کنتر کسویل حرکت خواهم کرد و قبل از آنکه از این شهر مفارقت کنم لازم دانستم که تشکرات خودم را از پذیرائیها و مهربانیهای مأمورین حکومتی و غیره به جناب شما اظهار نمایم عنقریب پیاریس خواهم آمد و خوشوقتتم از اینکه جناب شما را ملاقات میکنم و رضایت خودم را از مدت اقامت در مملکت مهمان نواز شما که از دیرزمانیست خیر خواه و دوست مملکت ایران است شفاهاً بآن جناب اظهار مینمایم (مظفرالدین) کنتر کسویل .

وزیر جمهوری نیز تلگراف ذیل را در جواب فرستاد

تلگرافی که مبنی بر اظهار رضایت و خوشوقتی آن اعلیحضرت از اقامت در سرزمین و ژبودشرف و وصول ارزانی داشت خیلی خوشوقتتم از اینکه بزودی بملاقات آن اعلیحضرت و پذیرائی مقدم شریفشان نایل خواهم شد و امیدوارم که در این اقامت و مسافرت ثانوی همانقدر بلکه بیشتر از آنکه در این چند هفته کنتر کسویل بآن وجود مبارک خوش گذشته از فرانسه و اهل آن خوشوقت و خوشنود شوند (امیل لوبه)

حاکم و ژدر در کاب شهر یار ایران تاسر حد فرانسه ملتزم بود و از آنجا مرخص گردید قطار مخصوص شاهنشاهی در ساعت ده و بیز باد رسید و از آنجا با قطار مخصوص روس میبایست بطرف سن پترزبورغ عازم شوند. (نا تمام)